

بررسی و تحلیل مصادیق عسر و حرج در طلاق به درخواست زوجه در طی سال های ۹۵ و ۹۶ در شهرستان ایزده

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۵/۱۱، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۶/۱۶)

دکتر رضا بیرانوند^۱

ایران صیدالی

چکیده

هدف این مقاله، بررسی و ارایه عمده ترین علل طرح دعوای طلاق از جانب زوجه جهت اثبات عسر و حرج خود طی ۲ سال یعنی (سال ۹۵ و ۹۶) در سطح شهرستان ایزده همچنین ذکر مصادیقی از عسر و حرج و چگونگی اثبات و احراز آن ها در طلاق به درخواست زوجه از طریق مراجعه به واحد مشاوره وابسته به دادگستری و اداره بهزیستی شهر و بررسی اسناد و مدارک متعلق به سال های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ موجود در ارشیو بهزیستی جمع آوری گردید در این مقاله تنها به بررسی مصادیق طلاق به استناد عسر و حرج موضوع ماده ۱۱۳۰ از قانون مدنی و رویه قضایی حاکم در رسیدگی به این پرونده ها می پردازیم در نهایت به نتیجه گیری و جمع بندی مقاله خود می پردازیم. سؤال اصلی این تحقیق این است که زن تحت چه شرایطی می تواند طلاق بگیرد؛ و سوال فرعی مقاله، بیشترین علت طرح دعوای طلاق در شهر ایزده چه چیزی میباشد؟ که در پایان به جواب این سوال نیز میرسیم. با بررسی مواد قانونی باید گفت زن در صورت اثبات شرایط مد نظر قانونگذار موضوع مواد ۱۱۲۹-۱۱۳۰-۱۱۱۹ از قانون مدنی می تواند طلاق بگیرد. تحقیق زیر به روش تاریخی با مراجعه به اسناد و مدارک موجود در مرکز مشاوره وابسته به دادگستری به دست آوردن امارت ثبت دادخواست های طلاق توسط زوجه در سال های ۹۵ و ۹۶ انجام شد.

واژگان کلیدی: عسر و حرج، طلاق، رویه قضایی، زوج، زوجه

مقدمه

عسر در لغت به معنی تنگی، سختی و دشواری است و حرج نیز به معنی تنگی و تنگ شدن است. در اصطلاح فقهی عسرو حرج به معنی تنگی و فشار است. طبق نظر دکتر جعفری لنگرودی که می‌فرماید: «عسر و حرج حالت تنگنا در عمل کردن به الزامات قانونی است که اگر مکلف به آن عمل کند، به مضیقه و سختی در افتد». که در این صورت قاعده لاحرج به کار بسته می‌شود که منشأ کثیری از احکام ثانوی است نظام حقوقی ایران و قانون مدنی در ارتباط با مبحث طلاق برگرفته از فقه و شرع و قرآن کریم می‌باشد زن حق طلاق ندارد و حق طلاق از زمره حقوق متعلق به مرد می‌باشد، مرد هرزمانی و در هرشرایطی می‌تواند با مراجعه به محاکم قضایی بدون ارایه دلیل و علت طلاق همسر خود را مشروط بر پرداختن حقوق مالی مطلقه نماید اما زن نمی‌تواند طلاق بگیرد مگر در شرایط خاصی. بنابراین برخلاف حق مرد در طلاق دادن، که نیاز به ارایه دلیل ندارد زن برای طلاق حتماً می‌بایست دلیل ارایه دهد و بدون ارایه دلیل و اثبات آن‌ها نزد قاضی، نمی‌تواند طلاق بگیرد. آمار طلاق از جانب زوجه طی سال‌های اخیر به شدت رو به افزایش بوده در اغلب موارد چندین علت باعث طرح دعوا از جانب زوجه می‌شود هرچند قانونگذار در ماده ۱۱۲۹ و ۱۱۱۹ مواردی را مشخص کرده که در صورت احراز آن‌ها زوجه می‌تواند طلاق بگیرد اما اغلب بیشترین دعوای طلاق از جانب زوجه به استناد عسر و حرج حادث شده می‌باشد. وقتی زن در زندگی زناشویی خود به دلایلی از جمله موارد گفته شده در ذیل ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی که از آن جمله: ترک زندگی خانوادگی توسط زوج حداقل به مدت شش ماه متوالی و یا نه ماه متناوب در مدت یک سال بدون عذر موجه، اعتیاد زوج به یکی از انواع مواد مخدر و یا ابتلاء وی به مشروبات الکلی که به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و امتناع یا عدم امکان الزام وی به ترک آن در

مدتی که به تشخیص پزشک برای ترک اعتیاد لازم بوده است، محکومیت قطعی زوج به حبس پنج سال یا بیشتر، ضرب و شتم یا هر گونه سوء رفتار مستمر زوج که عرفاً با توجه به وضعیت زوجه قابل تحمل نباشد و ابتلاء زوج به بیماری‌های صعب‌العلاج روانی یا ساری یا هر عارضه صعب‌العلاج دیگری که زندگی مشترک را مختل نماید است، دچار عسر و حرج شود و در نتیجه باعث سختی و فشار، حتی گناه برای او شود، لذا او می‌تواند با استناد به قاعده نفی عسر و حرج و با اثبات دلایل خود مبنی بر عسر و حرج تقاضای طلاق خود را به دادگاه ارائه دهد و دادگاه نیز در صورت احراز عسر و حرج زوجه، زوج را مجبور به طلاق زوجه خود می‌کند، چنانچه زوج مایل به طلاق زوجه خود نبود، لذا حاکم شرع زوج را طلاق می‌دهد و این پایانی است برای زوجه‌ای که در دوران زندگی زناشویی خود دچار عسر و حرج شده بوده است لذا با حکم طلاق عسر و حرج وی نیز از بین برود (صادقی، ۱۳۹۶). بدیهی است که عرف گروه خاص می‌تواند با همکاری و تبادل نظر با سایر کارشناسان و متخصصانی که در سایر ابعاد زندگی انسان و جامعه انسانی پژوهش می‌نمایند به نتایج دقیقی در زمینه تعیین معیارهای تشخیص عسر و حرج دست یابد (درافشان و احمدی، ۲۰۱۷). در بررسی نظرات فوق باید گفت ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی با ذکر واژه «طلاق» حکم آن را مختص عقد نکاح دائم نموده است؛ اما در عقد موقت، از آنجا که وفق اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی در موارد سکوت، نقص، اجمال یا تعارض قوانین مدون قاضی مکلف به مراجعه به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر است تا حکم قضیه را بیابد، در پاسخ به سؤال فوق نیز دادگاه می‌تواند با مراجعه به عمومات که همانا قاعده «نفی عسر و حرج» است، به الزام زوج به بذل بقیه مدت اقدام نماید و قائل شدن تفصیل میان عقود موقت کوتاه مدت و بلند مدت فاقد وجهت عقلی و منطقی بوده و صرفاً در تشخیص عسر و حرج زوج می‌توان به مدت عقد نکاح توجه

کرد. قاضی امروزی باید بداند عسرو حرج به معنای تنگی است که عرفاً برای یک انسان متعارف (زن) قابل تحمل نباشد؛ با این معنا هرگز نباید مترصد آن باشیم که زوجه از شدت ضیق در آستانه ابتلاء به بیماری های جسمی و روانی قرار گیرد تا به دنبال علل نارسایی برخیزیم گردد، دادگاه مکلف است در خصوص علل ارائه شده توسط زوجه تحقیق کند و حتماً نباید حکم بر محکومیت زوج به ضرب و جرح شدید زوجه یا ترک انفاق طولانی مدت صادر شود تا آن را مشمول قاعده عسر و حرج تلقی کند، بنابراین سوابق مکرر اعتیاد زوج به مواد مخدر یا ارتکاب سرقت، عدم پرداخت نفقه و عدم احساس مسئولیت در برابر خانواده می تواند زن را در عسرو حرج قرار دهد. معمولاً قضات با استناد به احتیاط و رعایت اصل «الطلاق بید من اخذ بالساق» تمایلی به توسل به استثناء وارده بر اصل (قاعده نفی عسرو حرج) نداشته و حزم را توجیه گر عدم شجاعت قضایی می نمایند. (اسدی. ۱۳۸۳)،

• سؤالات تحقیق

برای انجام مقاله سؤال زیر در نظر گرفته شد:

مهمترین عوامل عسر و حرج در طلاق به درخواست زوجه در شهر ایذه چیست؟

• فرضیه های تحقیق

برای انجام این مقاله فرضیه زیر در نظر گرفته شد:

بیشترین تمایل برای طلاق توسط زوجین جوان است.

• ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق

ماده‌ی ۱۱۳۰ قانون مدنی به جهت سلیقه‌ای عمل کردن قضات در تشخیص مصادیق عسرو حرج و تلاش در جهت ایجاد وضعیتی ثابت و واحد، بارها اصلاح شده است. در نهایت قانونگذار با الحاق تبصره‌ای به ماده‌ی ۱۱۳۰ قانون مدنی به نوعی کوشیده است که مانع تشتت آراء شود، اما دوباره قانونگذار در ذیل تبصره تصریح کرده است که موارد مذکور حصری نیستند و دادگاه می‌تواند همچنان در موارد دیگر با احراز عسرو حرج حکم طلاق زوجه را صادر کند. در واقع قانونگذار در نهایت به درستی بدین نتیجه رسیده است که در هر حال نمی‌توان همه مصادیق عسرو حرج را در بطن قانون گنجانده و این رویه‌ی قضایی است که به عنوان اولین گام مؤثر در راستای اجرای مفاد این قاعده تعیین مصادیق عسرو حرج را بر عهده دارد. از این رو این مقاله بر آن است تا بعضی عوامل عسرو حرج زوجه را که در حقوق ایران بطور حصری ذکر شده و آنچه که باتوجه به عرف و رویه معمول مردم در شهرستان ایذه جزء عسرو حرج زوجه بحساب می‌آید مشخص نماید.

• اهداف تحقیق

در این مقاله دنبال آن هستیم تا راههای قانونی که زن میتواند به زندگی مشترکی که برای وی درد ورنج بهمراه آورده وسلامت روان وجسم وی را تحت شعاع قرار داده پایان دهد، معرفی کنیم.

بخش اول: بررسی حقوقی موضوع

بند اول: تعریف عسر و حرج در قانون و فقه

عسر و حرج در لغت به معنای در مشقت و سختی افتادن می باشد. این دو واژه ریشه در زبان عربی دارد و در قرآن کریم نیز به معنی و مفهوم سختی و تنگی آمده است در فقه بعنوان قاعده لاحرج معروف است. در قانون مدنی تعریفی از آن نشده اما قانون گذار در ماده ۱۱۳۰ از قانون مدنی با ذکر مصادیقی از آن به صورت ضمنی مفهوم و معنی آن را بیان کرده است که زوجه بتواند با اثبات کردن مشقت و سختی خود در زندگی مشترک طلاق بگیرد بنابراین عسر و حرج بمعنی در سختی و مشقت افتادن ادامه زندگی مشترک برای زوجه می باشد.

بند دوم: مصادیق عسر حرج و تعریف آنها

مستند طرح دعوای طلاق یا دادخواست طلاق جهت اثبات عسر و حرج، ماده ۱۱۳۰ از قانون مدنی می باشد در این ماده قانون گذار مصادیقی را که موجب به حرج افتادن زوجه می شود عنوان کرده و در انتهای ماده بیان داشته "موارد مندرج در این ماده را مانع از آن ندانسته که دادگاه در سایر مواردی که عسر و حرج زوجه را ثابت دانسته رای بر طلاق صادر نماید." بنابراین نص صریح این ماده دست قضات را در تشخیص موارد عسر و حرج و در مشقت بودن زوجه جهت ادامه زوجیت باز گذاشته تا در صورتی که در محکمه ثابت شود ادامه زندگی مشترک برای زوجه مقدور نمی باشد و همراه با سختی هست رأی بر طلاق صادر نماید. وجود این ماده در قانون هر چند زوجه راه طولانی را باید جهت اثبات آن طی کند جای خالی حق زن در طلاق را اندکی پر کرده و زوجه اگر بتواند مصادیق انرا اثبات کند می تواند حتی با دریافت حقوق مالی خود، خود را مطلقه نماید.

۱- ترک زندگی خانوادگی توسط زوج حداقل به مدت ۶ ماه متوالی یا نه ماه متناوب

تحقق این شرط مستلزم آن است که زوج حتماً محل سکونت را بدون عذر موجه ترک کند. همینطور علم و اطلاع زوجه نسبت به محل زندگی یا سکونت بعد از ترک شرط نمی‌باشد. ضمناً زوجه در این مورد می‌تواند علاوه بر طرح دعوای طلاق، به اتهام ترک انفاق علیه زوج شکایت کیفری نماید.

۲- اعتیاد

اعتیاد زوج به یکی از انواع موارد مخدر و یا ابتلای وی به مشروبات الکلی که به اساس زندگی خانودگی خلل وارد آورد و امتناع یا عدم امکان الزام وی به ترک وی در مدتی که به تشخیص پزشک برای ترک اعتیاد لازم بوده است در صورتی که زوج به تعهد خود عمل ننماید و یا پس از ترک مجدد به مصرف آن روی آورد. در مورد اعتیاد و تحقق بند دو ماده ۱۱۳۰ از قانون مدنی باید گفت شرط صدور حکم طلاق در این مورد خلل اساسی به زندگی مشترک می‌باشد و اعتیاد نباید قابل درمان باشد، در بیشتر موارد زن با ارایه گواهی‌های صادره از مراکز ترک اعتیاد دال بر بستری و تحت مراقب بودن زوج و سپس رجوع مجدد زوج به مواد مخدر دادگاه را در صدور حکم بدون گذراندن دوره درمانی ترغیب می‌نماید. بنابراین نباید تصور کرد که صرف اعتیاد داشتن سبب عسر و حرج و صدور حکم طلاق می‌باشد.

۳- محکومیت حبس زوج به حبس پنج سال یا بیشتر

صدور حکم حبس می‌بایست بعد از نکاح باشد و زوج در زندان بسر ببرد البته در مواردی ممکن است زوج قبل از عقد (دوران نامزدی) محکوم به حبس طولانی مدت شود اما با توجه

به انعطاف قانون گذار، در بیرون از زندان بسر ببرد یا اشتغال بکار باشد و یا زوجه با پذیرش این شرط و اطلاع و آگاهی نسبت به چنین حکمی حاضر به ازدواج با زوج باشد که در این صورت بعد از عقد نمی تواند و یا بسختی می تواند درخواست طلاق بدهد - محکومیت باید قطعی باشد و در زمان دادخواست طلاق حکم اجرا نشده باشد ضمناً محکومیت زوج باید خلاف شئونات زن و خانواده وی باشد هرچند حکم بند ۳ ماده ۱۱۳۰ مطلق هست اما دادگاه باید عسر و حرج زوجه در صورت زندان شدن زوج را احراز نماید.

۴- ضرب و شتم یا هرگونه سوء رفتار مستمر زوج که صرفاً با توجه به وضعیت زوجه قابل تحمل نباشد.

این بند همان سوء معاشرت یا سوء رفتار زوج می باشد، برحسب مفاد ماده ۱۱۰۳ از قانون مدنی زوجین مکلف به حسن رفتار و معاشرت با هم می باشند. حسن معاشرت که در زبان مردم به خوش رفتاری یا خوش اخلاقی شهرت دارد بر اساس زمان و مکان مختلف متفاوت است. حسن معاشرت، با عرف و سنت اجتماعی پیوند ناگسستنی دارد و اصطلاحاً یک موضوع متغیر محسوب می شود، ملاک واحدی نمی توان برای آن در نظر گرفت. به عبارتی مصادیق آن می تواند از مکانی به مکان دیگر و از زمانی به زمان دیگر تغییر کند. در یک کلام در هر فرهنگی تعریف جداگانه ای از خوش رفتاری و حسن معاشرت وجود دارد و ممکن است رفتاری در یک فرهنگ حسن معاشرت محسوب شود و همان رفتار در فرهنگ دیگری سوء معاشرت به حساب آید. برای تشخیص این موضوع قاضی دادگاه باید به عرف و سنت رایج در محل توجه کافی کند و نمی تواند بدون ملاک و معیار عرف و سنت به صورت مجرد و بر اساس تعریف قانون مبادرت به صدور حکم کند بنابراین تمام اموری که از نظر اجتماعی

توهین محسوب می شود یا رفتاری که با عشق و احترام به کانون خانواده واقتضای محبت و همدلی بین دو همسر منافات دارد سوء معاشرت است و برخلاف تکلیف قانونی در ماده ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ از قانون مدنی. سوء معاشرت می بایست حتماً مستمر باشد و بیش از دو بار اتفاق افتاده باشد، معمولاً ضرب و جرح باید مستند به رأی کیفری باشد و زوجه قبلاً در دادگاه کیفری طرح دعوا کرده باشد و رای قطعی دال بر اثبات ادعای خود را به دادگاه خانواده ارایه نماید از سایر مصادیق سوء رفتار زوج، بدبینی ها - سوء ظن های زیاد، بددھنی یا همان هتک حرمت و حیثیت، عدم وفاداری زوج - عدم تعهد به زندگی مشترک - عدم توجه به نیازهای جنسی و عاطفی همسر به مدت طولانی، خوداری از برقراری رابطه جنسی بدون عذر موجه و به مدت طولانی - تهدید کردن، تحقیر کردن - فحاشی کردن مداوم، اختلال روانی، اختلال شخصیت، استفاده از الفاظ رکیک بصورت مستمر و.... می باشد. لازم به ذکر است در هر شرایط و زندگی مشترک، نظر به وضعیت خاص زوج از نظر جایگاه اجتماعی، فرهنگی خانوادگی و حیثیتی، ممکن است وجود رفتارهای، منافی حیثیت و شان و منزلت زوج باشد که در این موارد دادگاه با در نظر گرفتن موقعیت و منزلت زن، درجه شدت رفتار سوء و میزان ارتکاب آن توسط زوج، حکم بر طلاق صادر نماید. چنانچه در پرونده ای زن با داشتن چهار فرزند دختر بالغ و شغل مدیر مدرسه بودن، همسر وی بدون توجه به مسائل تربیتی و اخلاقی، با پوششی بسیار نامناسب در منزل بسر می برد و درخواست های نامتعارف جنسی در هر ساعت شبانه روزی از همسر خود بدون توجه به آثار سوء این رفتارها بر سلامت روان دختران، استفاده از کلمات بسیار رکیک در حضور دختران، سبب طرح دعوای طلاق از جانب زوج شد، در دادگاه با شهادت فرزندان مشترک و تصاویر نامناسبی که از وی تهیه شد منجر به اثبات عسر و حرج زوج و صدور رأی طلاق گردید. بنابراین مصادیق سوء معاشرت و سوء رفتار بسیار زیاد هستند

و هر رفتار سوئی می تواند نظر به شرایط زوجه باعث طرح دعوای طلاق شود. معمولاً هم این علت از علل های شایع و اصلی طرح دعوای طلاق از جانب زوجه می باشد.

۵- ابتلای زوجه به بیماری های صعب العلاج روانی یا ساری یا هر عارضه ای دیگری که زندگی مشترک را مختل نماید:

نام بیماری های صعب العلاج در قانون بیان نشده؛ اما باید گفت منظور هر بیماری است که طولانی مدت بوده، درمان آن مشکل یا غیر ممکن باشد و زندگی مشترک را مختل نماید در غیر این صورت، نمی توان به استناد آن عسر و حرج را اثبات کرده و طلاق گرفت. بیماری های صعب العلاج جسمی، روحی و روانی که امکان سرایت به دیگران را داشته، درمان آن ها دشوار بوده و یا هر بیماری که منجر به ایجاد اختلال در زندگی مشترک شود، ایدز یا سایر بیماری های مقاربتی، انواع سرطان، هپاتیت، بیماری های روانی حاد و مواردی از این قبیل، می توانند حسب مورد، منجر به ایجاد حق طلاق برای زن شوند. مصادیق ذکر شده در ذیل ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی حصری نمی باشد چنانچه شرایطی در زندگی مشترک به وجود آید که زوجه قادر به ادامه زندگی مشترک نباشد و این شرایط موجب مشقت زن در زندگی شود در صورت احراز مشقت و سختی در نزد محاکم، دادگاه می بایست حکم بر طلاق صادر نماید. اما آنچه در دعوای عسر و حرج شرط می باشد و در واقع رکن اصلی اثبات ادعای زوجه می باشد این است که شرایط مشقت بار می بایست در زمان طرح دعوا و رسیدگی موجود باشد، صدور حکم طلاق تنها راه رهایی از آن وضعیت شود و زوجه می بایست تمامی ارکان آنرا نزد محاکم با ارایه دلیل و مدرک اثبات نماید بجز مصادیق ذکر شده در ذیل ماده ۱۱۳۰ از قانون مدنی موارد ذیل

نیز با اثبات آن‌ها از می‌تواند موارد صدور حکم طلاق می‌باشد (موارد ذکر شده بصورت عملی کار شده و منتج به حکم نهایی از دیوان عالی نیز گردید).

سایر مصادیق عسر و حرج که در قانون نامی از آنها برده نشده اما وجود آنها می‌تواند سبب عسر و حرج زوجه شود:

۱- خودداری شوهر از برقراری رابطه‌ی زناشویی با همسر به مدت طولانی

۲- خیانت زوج یا رابطه‌ی نامشروع و عدم وفاداری به همسر

۳- جدایی طولانی مدت طرفین از همدیگر (مفارقت جسمانی)

۴- ناتوانی در برقراری رابطه جنسی

۵- سوءظن شدید به همسر

۶- تفاوت‌های فرهنگی بین طرفین

۷- عدم مسئولیت‌پذیری و عدم تعهد به وظایف در زندگی مشترک از جانب مرد

۸- وجود پرونده‌های متعدد و شکایت‌های کیفری علیه همدیگر

۹- عدم باروری زوج

۱۰- بیکاری مرد ب مدت طولانی

۱۱- ازدواج‌های اجباری و دخالت اطرافیان

باید در نظر داشت در تمام مواردی که زوجه مدعی عسر و حرج است بار اثبات دعوا روی دوش وی می باشد و باید تمام ارکان عسر و حرج و مشقت و سختی خود از ادامه زندگی مشترک و عدم امکان ادامه آن را در محاکم اثبات نماید. گاهی دلایل مطرح شده از جانب زوجه جهت اثبات عسر و حرج، چندیدن دلیل در کنار هم اثبات کننده شرایط عسر و حرج زوجه می باشد چنانچه در آرای که ارایه می شود ارایه چندیدن دلیل از جانب زوجه باعث اثبات شرایط مشقت بار در زندگی مشترک شد بنابراین همانطور که سابقاً بیان شد در طلاق به استناد ماده ۱۱۳۰ از قانون مدنی، زن بعنوان مدعی و خواهان باید تمام ارکان عسر و حرج را در محکمه اثبات نماید و ثابت نماید نظر به وضعیت پیش آمده امکان ادامه زندگی مشترک برای وی همراه با مشقت و سختی است و امکان پذیر نمی باشد بنابراین رویه ثابت و مشخصی برای اثبات عسر و حرج وجود ندارد وزن باید تمام تلاش خود را جهت در حرج بودن خود بکار بندد چنانچه محاکم نظر به شرایط و احوال ممکن است تصمیمات متفاوتی اخذ کنند بنابراین عسر و حرج نسبت به زنان نسبی می باشد و نظر به شرایط و موقعیت، منزلت شان و جایگاه اجتماعی یک زن با زن دیگر ممکن است متفاوت باشد که همگی در صدور حکم مؤثر می باشند.

بخش دوم: حقوق مالی در طلاق به درخواست زوجه

در طلاق به درخواست زوجه به استناد عسر حرج تکلیف حقوق مالی زوجه در صورتی که مستقلاً طرح دعوی نشده باشد مشخص می شود، بنابراین با احراز شرایط مشقت بار در زندگی مشترک، زوجه می تواند کلیه حقوق مالی که قانوناً به وی تعلق می گیرد مطالبه نماید، اما گاهی زوجه جهت اثبات حرج خود مجبور به بذل قسمتی یا تمام حقوق مالی خود جهت صدور

حکم می نماید و محاکم زوجه را ارشاد به بذل قسمتی از مهریه جهت صدور حکم طلاق می نماید علت آن می تواند هم کمک به زوج و هم تقویت ادله زوجه باشد.

بند اول: حقوق مالی زوجه

۱- مهریه: آنچه در سند نکاحیه بعنوان مهریه تعیین شده باشد در صورتی که زوجه انرا بذل ننماید زوج محکوم به پرداخت می شود.

۲- نفقه: نفه گذشته تا زمان اجرای حکم، در صورتی که زوجه محکوم به تمکین نشده باشد یعنی در واقع ناشزه نباشد با جلب نظر کارشناس برای وی تعیین می شود. اثر عسر و حرج بر حق نفقه زوجه در قانون مدنی ایران نیز در ماده‌ی ۱۱۰۷ به پیروی از نظریات مشهور فقها، نفقه را شامل مجموع نیازمندی‌های فوق دانسته و لباس و مسکن را جزء نفقه بر شمرده است نه جدای از آن: «نفقه عبارت است از مسکن، البسه، غذا، و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم، در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضاء» در این ماده از سایر چیزهایی که عرفاً مورد احتیاج زن می باشد، مانند: هزینه‌های دارو، درمان، وسایل تنظیف و آرایش سخنی به میان نیامده و شاید تصویب این ماده مطابق با این نظریه بوده که: یا قبول موارد مذکور جزء نفقه محسوب نشده که این نظر بر خلاف مصلحت جامعه بوده و با ذوق سلیم و عرف هم سازگار نیست و یا اینکه ماده‌ی ۱۱۰۷ حصری نبوده بلکه تمثیلی است و باید هر چیزی را که بر حسب عرف مورد احتیاج زن می باشد جزء نفقه دانست (اسماعیلی. امینی. خاکسار. ۱۳۹۸).

۳- اجرات المثل ایام زوجیت، در صورتی که زوجه بتواند ثابت نماید در دوران زندگی مشترک به درخواست زوج کاری در منزل مشترک انجام داده باشد مستحق دریافت اجرات

المثل ایام زوجیت می‌باشد. به نظر دکتر امامی وسید حسین صفایی در کتاب حقوق خانواده
 "زن و شوهر حق ندارند بابت خدماتی که در اجرای وظایف خود ثر خانواده انجام می‌دهند
 یا کمکی که به همسر خود می‌کند دستمزد بخواهد"

۴-جهیزیه، در ضمن صدور حکم، دادگاه باید تکلیف جهیزیه‌ای که زوجه در زمان عروسی
 توسط ایشان یا خانواده‌ی وی تهیه شده‌اند و به منزل همسر برده است را مشخص و حکم ب
 استرداد آن‌ها مطابق لیست ارایه شده به دادگاه نماید.

بند دوم: حضانت ملاقات فرزندان مشترک

چنانچه طرفین دارای فرزند مشترک زیر سن حضانت (دختر و پسر زیر ۷ سال) مادر باشند،
 حضانت و نگهداری آن با مادر می‌باشد و فرزندان بالای ۷ سال به تشخیص دادگاه حکم به
 حضانت پدر یا مادر صادر میشود. با خروج فرزندان از سن حضانت (دختر ۹ سال - پسر
 ۱۵) دادگاه با تکلیفی مواجه نمیشد. لازم به ذکر است دادگاه باید ضمن صدور حکم برای
 طرفین که سرپرستی و نگهداری کودک با وی نمیشد وقت ملاقات تعیین نماید.

بند سوم: نوع طلاق به درخواست زوجه با احراز عسر و حرج

این نوع طلاق در صورت بذل قسمتی از مهریه یا حقوق مالی به هر میزان خلع و باین می‌باشد
 که برای مرد حق رجوع نمیشد. اما در صورت عدم بذل حقوق مالی، نوع آن باین می‌باشد که
 زوج حق رجوع ندارد.

بند چهارم: مدت اعتبار حکم طلاق

در مواقعی که زوج الزام به طلاق می‌باشد مدت اعتبار اجرای صیغه طلاق به استناد ماده ... قانون حمایت خانواده ۶ ماه از تاریخ قطعیت می باشد .

بخش سوم: بررسی علل طرح دعوای طلاق در شهرستان ایزده در فاصله زمانی

۹۵-۹۶

امار ذیل از طریق اسناد موجود در واحد مشاوره دادگستری جمع اوری شد به صورت موردی علت هر دادخواست طلاق ثبت گردید در سال ۱۳۹۵، ۸۷ ثبت دادخواست طلاق وجود داشت که علت اصلی اعلامی از جانب زوجه به شرح ذیل می باشد:

اعتیاد مرد: ۳۵مورد

بیکاری مرد: ۱۰مورد

دخالت اطرافیان ۲مورد

سوظن ۶مورد

سومعاشرت ۱۲مورد

اختلال روانی زوج ۳مورد

اختلاف فرهنگی ۲

خیانت زوج ۹مورد

ناتوانی جنسی مرد: ۰

عدم باروری مرد: ۴مورد

ازدواج اجباری: ۱مورد

ازدواج مجدد مرد ۳

در سال ۱۳۹۶ با افزایش درخواست طلاق در شهرستان ایذه ۱۱۹ مورد دادخواست طلاق ثبت شد. علت های اصلی به صورت موردی به شرح زیر هستند:

اعتیاد: ۵۰ مورد

بیکاری مرد: ۱۱ مورد

دخالت اطرافیان ک ۴ مورد

سوءظن: ۷ مورد

سوء معاشرت ۵ مورد

اختلال روانی ۸ مورد

اختلاف فرهنگی: ۴مورد

خیانت زوج: ۱۳ مورد

ناتوانی جنسی: ۴ مورد

عدم باروری ۴ مورد

ازدواج اجباری: ۷مورد

ازدواج مجدد مرد: ۲مورد

در سال ۹۶ نیز بیشترین علت طرح دعوی طلاق اعتیاد زوج می‌باشد بعد از آن خیانت و بی‌کاری مرد در درجه بعدی قرار دارند. آمار ذکر شده صرفاً علتی است که زوجه در زمان ثبت دادخواست طلاق ذکر کردند هر دعوی طلاق منجر به صدور حکم طلاق نمی‌شود. در ذیل به بررسی کلی بیشترین علت طرح دعوی طلاق یعنی اعتیاد، سوء معاشرت و خیانت و بی‌کاری مرد می‌پردازیم قبلاً. مورد سوء معاشرت و اعتیاد زوج بصورت مفصل در ذیل مورد عسر و حرج ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی شرح داده شد در اینجا صرفاً به بررسی خیانت و بی‌کاری مرد می‌پردازیم

بند اول: خیانت زوج

رابطه با نامحرم خارج از چهارچوب قانون و شرع ممنوع بوده و جرم می‌باشد چنانچه زن می‌تواند با اثبات آن تحت عنوان رابطه‌ی نامشروع در محاکم کیفری زوج را محکوم و به عنوان ادله جهت عسر و حرج خود ارایه دهد، رابطه‌ی نامشروع اعم از زنا و دون زنا می‌باشد که هر کدام علاوه بر مجازات مشخص قانونی، از موار عسر و حرج زوجه قرار گیرد. رابطه با نامحرم خارج از چهارچوب قانون و شرع ممنوع بوده و جرم می‌باشد چنانچه هر کدام از زوجه می‌تواند با اثبات آن تحت عنوان رابطه‌ی نامشروع در محاکم کیفری، زوج را محکوم و به عنوان ادله

جهت عسر و حرج خود ارایه دهد، رابطه‌ی نامشروع اعم از زنا و دون زنا می‌باشد که هر کدام علاوه بر مجازات مشخص قانونی، از موارد عسر و حرج زوجه قرار گیرد.

بند دوم: بیکاری زوج

بیکاری در صورتی از موارد عسر و حرج می‌باشد که راهی برای تأمین معاش خانواده وجود نداشته باشد وزن در این شرایط حرج باشد، علت بیکاری هر چیزی ممکن است باشد و نیاز به بررسی کامل دارد اما آنچه مهم است در صورتی بیکاری باعث صدور حکم طلاق می‌شود که مرد سالم بوده و امکان کار کردن برایش مقدور باشد، بصورت موقت بیکار نشده باشد، بیکاری ایشان مستمر، بدون علت موجه و سبب مشقت و سختی زوجه در ادامه زندگی مشترک شود که صدور حکم طلاق سبب رهای زوجه از این وضعیت باشد. در همه موارد عسر و حرج، دادگاه مکلف است وضعیت زن بصورت موردی با توجه به شان و منزلت، جایگاه اجتماعی و میزان تحصیلات و سایر شرایط وی را برای صدور حکم در نظر بگیرد و باید به این موضوع تاکید کرد که عسر و حرج نسبی می‌باشد ممکن است نظر به وضعیت خاص زنی شرایط پیش آمده برای وی قابل تحمل نباشد اما همان شرایط در زمان‌های دیگر برای زنی دیگر قابل تحمل باشد بنابراین حادث شدن یکی از این مصادیق به این معنی نیست که دادگاه حتما حکم بر طلاق صادر میکند

نتیجه گیری

در این تحقیق نتایج به دست آمده بیانگر اطلاعاتی مفید است که می‌تواند منجر به شناسای بیشترین علت‌ها و آسیب‌ها در شهر ایزده باشد. چنانچه با بررسی اماره دست آمده در سال‌های ۹۵ و ۹۶ بیشترین علت طرح دعوای طلاق اعتیاد زوجه می‌باشد که در درجه اول علت‌ها قرار

دارد و سپس به ترتیب سومعاشرت زوج وخیانت قرار دارد که با بدست آمدن امار و مقایسه ان باسال‌های بعد می‌توان مسیر مشخصی به دولت جهت برنامه‌ریزی برای حل یا کمرنگ کردن این مشکلات بدهد، قانون زوجین را مکلف به حسن معاشرت و معاضدت در تشیید مبانی خانوادگی داشته تا با همکاری و همفکری همدیگر از بزرگترین و مهترین نهاد جامعه یعنی خانواده حمایت کند و از فروپاشی خانواده تا حد ممکن جلوگیری نماید اما علی رغم حمایت‌های فراوان و تصویب مقررات و نصوص متعدد در حفظ کیان خانواده، در نهایت طلاق را به عنوان تنها راه رهایی و نجات بخش پیوند قانونی و شرعی زن و شوهر نیز به رسمیت شناخته و با توسل به احکام ثانوی اسلام و آیات قران کریم از جمله ایه ۸۷ از سوره مبارکه حج وقاعده لاجرح به زن نیز این اختیار راداده تا بتواند خود را از زندگی مشترکی که به وی اسیب می‌رساند نجات دهد، اما پروسه طلاق به درخواست زوجه گاه‌ا بسیار طولانی شده و این موضوع باعث ورود اسی‌های بیشتر به وی می‌گردد، دولت ونهاد‌های ذی ربط با داشتن جامعه اماری از علت‌های درخواست طلاق، می‌توانند اسیب‌ها را شناسایی و در رفع و یا کمرنگ شدن ان‌ها به خانواده‌ها کمک کنند. یکی از چالش‌های بزرگ زنان در مراجعه به محاکم؛ طولانی بودن فرایند رسیدگی و صدور حکم می‌باشد مخصوصا در شهرستان‌های که دادگاه ویژه خانواده هنوز تأسیس نشده است و شهرستان ایزده علی رغم جمعیت زیاد و مشکلات فراوانی که دارد همین‌طور امار بالای پرونده‌های خانواده، اما متأسفانه تاکنون به پرونده‌های خانواده در شعب عمومی حقوقی رسیدگی می‌شود و شعب خاص خانواده وجود ندارد بنابراین پیشنهاد می‌شود با توجه به تصویب قانون حمایت خانواده و الزامی بودن رسیدگی به پرونده‌های خانواده در دادگاه خانواده، قوه قضاییه برای راه‌اندازی شعب ویژه خانواده به همراه مشاور قضایی زن برای تمام همت خود را به کار ببرد، چرا که این امر سبب تسریع در رسیدگی و جلوگیری از صدور

ارا متعارض می‌شود و همچنین پیشنهاد می‌شود مقنن، ماده قانونی تصویب نماید و یا تبصره‌ای در ذیل ماده ۱۱۳۰ الحاق یابندی به موارد پنجگانه آن به این صورت که در صورت بذل مهریه و سایر حقوق، حکم طلاق زوجه صادر شود، مگر شاید اغلب زنان از راهروهای دادگاه‌ها و طرح پرونده‌های متعدد خلاص شوند و از آسیب روحی و روانی ناشی از تردد زیاد در دادگستری و اتلاف هزینه فراوان و وقت طولانی جلوگیری شود.

منابع و مآخذ

- صفایی، دکتر سید حسن، امامی، دکتر اسدالله، مختصر حقوق خانواده چاپ چهل و سوم بهار

۱۳۹۵

- کاتوزیان، دکتر ناصر؛ قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی

- عزیزی صادق. "عسر و حرج به درخواست زوجه." "۲۱۷-۲۳۳.

- اسدی. "جایگاه عسر و حرج-قانون و رویه." "فقه و حقوق خانواده. ۲۹-۹: (۲۰۰۴) ۳۴.۹

- اسماعیلی، سیاوش، امینی اسدآبادی، دکتر حسین، خاکساری، & دکتر الهه. (۲۰۱۹). بررسی

تأثیر عسر و حرج بر حقوق زوجه در نظام حقوق مدنی ایران. قانون یار. ۱۶۴-۱۲۹، (۳) ۱۰،

قانون مدنی با آخرین اصلاحات

-قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۲

-ارشيو واحد مشاوره دادگستری متستقر در بهزیستی